

گلابه‌های آیت الله یزدی از بعضی بزرگان حوزه

روایت آیت الله یزدی از پاسخ امام خامنه‌ای در مورد افرادی که نظرشان مخالف نظر رهبری است



روایت آیت الله یزدی از پاسخ امام خامنه‌ای در مورد افرادی که نظرشان مخالف نظر رهبری است
اعتدال: آیت‌الله یزدی عضو فقهای شورای نگهبان، ضمن بیان گلابه‌های خود از بعضی از بزرگان
حوزه و علمیه، ماجرای پرسش خود از امام خامنه‌ای در آخرین جلسه‌ی او که معظم‌له با
خبرگان داشتند و پاسخ ایشان را روایت کرد.

آیت‌الله یزدی با هفته‌نامه‌ی «افق»؛ به گفت‌وگو پرداخته که در ادامه گزیده این
گفت‌وگو را به گزارش جماران، به نقل از خبرآنلاین می‌خوانید:

* بر فضیلت برجسته‌ی او که توانایی اداره یک حوزه را دارند واجب است که از قم بروند و یکی از استان‌ها
را اداره کنند؛ چراکه استان‌ها تقریباً خالی از این‌گونه افراد است. مثلاً استان کرمان چه کسی را دارد؟ یزد
چه کسی را دارد؟ قم فضیلت زیادی دارد که می‌توانند یک نقطه را اداره کنند اما این روحیه که بروند و
یک جا را اداره کنند خیلی کم است.

* بنده از حوزه انتقاد نمی‌کنم اما قائل به ضعف در حوزه هستم و معتقدم مراجع و اساتید باید ارتباط بیشتری با
طلاب برقرار کنند و احوال طلاب را از لحاظ روحی و معلومات و وضع اخلاق جویا شوند و به عبارت دیگر فقط نباید تجمع
درس و بحث را دید و تمام، بلکه باید نقش استاد و نقش مرجع و نقش طلبه را هم در 10 سال آینده دید که اگر چنین
محاسبه‌ی او انجام شود شاهد پیشرفت خواهیم بود.

* برخی از آقایان که به اعتقاد خودشان بهترین درس‌ها را دارند چند بار در اول یا آخر درس درباره نظام صحبت
کرده‌اند تا طلبه تکلیفش را بدانند؟ باید با نظام همراهی کرد یا نه؟ با استقلال موافق است یا مخالف؟ حتی یک
بار هم نگفته‌اند. البته شاید در دیدارهای خصوصی خود، مطالبی را به افراد معدودی گفته باشند. من این گلابه را
از آن آقایان دارم. شما که معتقدید درستان بهترین درس حوزه است، باید نقش بیشتری در تربیت طلبه داشته باشید تا
تکلیفش را بفهمد.

* آیا استقلال طلبه در این است که کاری به کار کسی نداشته باشد و فقط سرگرم درس و مباحثه و نماز شب و دعا و
زیارت و بدبختی‌های زندگی خودش باشد و تمام یا اینکه باید طلبه را در فرصت‌های مقتضی راهنمایی و
ذهن او را روشن کنیم؟

* من باید از تعدادی از بزرگان حوزه گلابه و عرض کنم که شما نسبت به معین کردن وظیفه جوانان تکلیف دارید. اگر بنده
حرفی بزنم می‌گویند او دولتی است، چراکه در شورای نگهبان حضور دارد. بنده در شورای نگهبان راجع به
اسلامیت و عدم اسلامیت یک طرح و لایحه صحبت می‌کنم. اگر با رفقا بحث می‌کنم، از همین
بحث‌های طلبگی حوزه استفاده می‌کنیم که آیا این طرح یا لایحه با اسلام موافق یا مخالف است. وقتی
یک طلبه چنین دیدی نسبت به من پیدا بکند چه تقصیری دارد؟ او گمان می‌کند معنای استقلال این است که
نسبت به حکومت فاصله داشته باشد.

* خطاب به کسانی که از بزرگان حوزه هستند و این‌گونه می‌اندیشند عرض می‌کنم، ای حضرات
اساتید و ای بزرگان! شما باید تکلیف این طلابی را که سرمایه اصلی ما هستند و چندین سال نزد شما شاگردی
می‌کنند، روشن کنید که معنای استقلال چیست؟ بعد از گذشت هزار و چند صد سال زحمات ائمه معصومین و
زندان رفتن و شهادتشان و زحمات علمای بزرگ ما در تاریخ هزار ساله غیبت و زندان و تبعید و شهادت آنها که برای
حاکمیت اسلام بوده است، حالا بعد از این همه زحمات گذشتگان، امروز نظام ما که مولود حوزه است و از نظر بنده
معجزه قرن است، آیا درست است که این‌گونه مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار بگیرد؟

* ما چون خودمان در متن بوده‌ایم، خیلی متوجه نیستیم که چه حادثه‌ای رخ داده است. مسئله
ساده‌ی او نیست که یک حکومت طاغوت که به قول خودش می‌گوید دو هزار و پانصد سال سابقه دارد کنار
برود و یک سید و عالم بزرگوار به تنهایی و برای رضای خدا وارد کار بشود و بسیاری از
هم‌دوره‌ی او در اوایل کار با او همراهی نکنند و بعدها به او کمک کنند تا
آهسته‌آهسته پس از سال‌ها تبعید موفق بشود و این معجزه رخ بدهد. حال درست نیست که من و شما
بگوییم اگر به حکومت کمک کنیم یا به او تذکر دهیم یا با او ارتباط برقرار کنیم، این با استقلال حوزه نمی‌سازد.

* مقام معظم رهبری در سفرشان به قم و در دیدارهایشان مثل دیدار با جامعه مدرسین که دو تا ملاقات داشتند فرمودند
حکومت مولود و فرزند حوزه است. هم حکومت باید با حوزه ارتباط داشته باشد و هم حوزه باید با حکومت ارتباط داشته

باشد.

* بنده در آخرین جلسه و بدون تعارف گفتم: برخی از مسئولان حرفی می‌زنند که با حرف شما نمی‌خواند. اینجا تکلیف من چیست که می‌زنند؟ بینم حرف ایشان نقطه مقابل شماست؟ ایشان تأملی کردند و فرمودند: تبیین حقایق تکلیف شماست، مردم را روشن کنید و حقایق را تبیین کنید و واقعیات را بگویید.

* من به جوانان حوزه می‌گویم که آینده برای شماست، سال‌های آینده مرجعیت حوزه برای شماست، حکومت برای شماست، شورای نگهبان و قوه قضائیه در اختیار شماست اما آن را با چه چیزی می‌خواهید اداره کنید؟ شما الان که جوان هستید موظف هستید ارتباط خود را با نظام و مقامات حفظ کنید و این ارتباط منافاتی با استقلال شما ندارد. حکومت باید به شما کمک کند، شما باید با نمایندگان مجلس و وزیران محترم رفت‌وآمد داشته باشید و حرفتان را هم بزنید.

* من به جوانان حوزه می‌گویم که باید درس بخوانید. اگر بی‌سواد باشید هیچ‌جا جای شما نیست، نه در بین مردم و نه در حکومت، نه در دنیا و نه در آخرت، چراکه یک فرد بی‌سواد شده‌ای. لباس کافی نیست، باید زحمت کشید و درس خواند، نباید عمر را تلف کرد، بلکه باید از وقت، حداکثر استفاده را کرد. باید از این همه امکاناتی که در گذشته برای طلاب فراهم نبود و امروز هست استفاده کرد. در ضمن باید با نظام هم ارتباط برقرار کرد و این منافاتی با استقلال حوزه ندارد.

بنابراین استقلال حوزه این نیست که انسان از حکومت جدا بشود و فاصله بگیرد و بگوید من کاری به کار حکومت ندارم.